گنجینهٔ دستنویس های پهلوی
و پژوهش های ایرانی
۴۲

دستنویس ک. ۴۳

بخش دوم

بخشهائی از دینکرد
و دو قطعهٔ کوچک از یک متن پهلوی و اوستائی

به کوشش
دکتر ماهیار نوابی

با همکاری فنی
دکتر محمود طاووسی

از انتشارات
مؤسسهٔ آسیائی «دانشگاه پهلوی» شیراز

سرآغاز

اشارات دانشمندان و فیلسوفانی چون ابوریحان بیرونی و محمّد زکریّای رازی و شهاب الدّین سهروردی به حکمت خسروانی و فلسفهٔ ایرانی، تذکّر پولینیوس رومی دربارهٔ استفاده هرمی پوس یونانی از کتابهای زرتشتی، مطالبی که در کتابهای قابل استنادی چون مروج الذّهب، مجمل التّواریخ و القصص و نامه های پیغمبران بنی اسرائیل و احادیث اسلامی آمده است، وجود مراکز مهمّ علمی در نصیبین، رُها و تیسفون و جندی شاپور، ترجمه های بازماندهٔ عربی از زبان پهلوی، پیدایش دانشمندان و فیلسوفان و اندیشمندان بلند پایه ای در دوران طلائی اسلامی، یعنی دوران خلافت عبّاسیان، از این سرزمین، که شمار آنها از دانشمندان هریک از کشورهای اسلامی دیگر و بلکه از همهٔ آنها روی هم بیشتر است،

وجود سنگ نبشته های پارسی باستان و پارسی میانه و پارتی ، نامه پهلوی اوستا ، آثار بازمانده

مانویان به زبانهای پارسیک و پهلوانیک و سغدی و ترکی و چینی و قبطی و کتابهای پهلوی (= پارسیک)

چندی که تاکنون بجای مانده‌اند ، همه دلالت بر وجود فرهنگ و تمدنی بزرگ و درخشان ، از دیرباز ،

در سرزمین ایران بزرگ میکند که بر پایه های فلسفه ایرانی استوار بوده است .

علت هرچه باشد ، سیاسی یا اقتصادی و یا اجتماعی یا تغییر خط و یا همه آنها باهم ، قدر مسلم این است

که بسیاری از آثار مدون دوران ساسانی و آغاز دوران اسلامی ایران از میان رفته است ، و عده ای

که از دستبرد زمانه رهائی یافته اند در موزه ها و کتابخانه های مهم اروپا و بیشتر در هندوستان و در کتابخانه های

پارسیان نگاهداری میشود . اینها میتوانند روشنگر زوایای ناشناخته تاریخ و فرهنگ کهن ما

باشند ، و از این رو نگاهداری و چاپ و انتشار آنها و تشویق دانشمندان به مقابله و تصحیح و ترجمه این گنجینه ها

که ما را به شناخت بیشتر زبان فارسی و غنای آن در بیان مفاهیم یاری میکند ، بر ما واجب است .

و باز از این رو بود که هنگامی که دوست دانشمند و ارجمند من استاد دکتر ماهیار نوابی رئیس مؤسسه آسیائی

دانشگاه پهلوی پیشنهاد کرد که برای بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی خجسته دودمان پهلوی و شادی روان بنیان گذار آن پنجاه نسخهٔ خطی پهلوی را از سوی مؤسسهٔ آسیائی دانشگاه پهلوی چاپ و منتشر کنیم. این پیشنهاد را از دل و جان پذیرفتیم.

این پنجاه جلد کتاب پهلوی و کتاب بارگاه رضا هدیه‌ای است که در این آئین ملی برگزاری جشن پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی با فروتنی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر ریاست عالیهٔ دانشگاه پهلوی و علیا حضرت شهبانو فرح ریاست عالیهٔ مؤسسهٔ آسیائی دانشگاه پهلوی تقدیم میشود.

فرهنگ مهر –
رئیس دانشگاه پهلوی

دیباچه

مؤسسه آسیائی وابسته به دانشگاه پهلوی افتخار دارد که بزرگداشت

پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی را، مجموعه‌ای در پنجاه جلد، از دستنوشتهای

پهلوی واوستائی و پژوهشهای ایرانی چاپ کند و به دوستداران فرهنگ و

ادب ایران تقدیم دارد.

در تابستان سال دوهزار و پانصد و سی و سه شاهنشاهی، در گروهی سخن از خدمات

برجسته رضاشاه بزرگ بدین سرزمین و روز تاجگذاری وی (چهارم اردیبهشت ماه

۱۳۰۵ هجری خورشیدی) میرفت، در آن هنگام اندیشه چاپ مجموعه‌ای از متن‌های

پهلوی یادبود پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را از خاطرم گذشت و سپس این اندیشه را

با رئیس دانشمند دانشگاه پهلوی جناب آقای دکتر فرهنگ مهر، که از شیفتگان

فرهنگ ایرانند و از یاری شناساندن این فرهنگ کهن هیچگاه دریغ نکرده و

نمی‌کنند، درمیان گذاشتم تا اگر در این اندیشه با من همداستان باشند مراتب را

به شرف عرض شهبانوی فرهنگ پرور ایران، ریاست عالیه مؤسسه آسیائی برسانند

اگر اجازه فرمایند تا مؤسسهٔ آسیائی بدین کار شایسته دست یازد.

جناب آقای دکتر فرهنگ مهر با پیشانی گشاده و آغوش باز ازین اندیشه استقبال کردند و مراتب را به شرف عرض شهبانوی ایران رساندند و دیری نگذشت که فرمان علیاحضرت شهبانو بدین کار نیک شرف صدور یافت و به مؤسسهٔ آسیائی ابلاغ شد.

شورای استادان مؤسسهٔ آسیائی، با الهام از نام خاندانی، که جشن بزرگداشت شاهنشاهی آن را، مردم ایران امسال برگزار میکنند، چاپ کردن کتاب یا دستنویسهای پهلوی را در درجهٔ اول اهمیت قرار داد. کشوری که در آن بیش از هر کشور دیگر میتوان به دستنویسهای پهلوی و اوستائی دست یافت کشور هندوستان است هر چند بدبختانه هوای گرم و نمناک آنجا با کتاب سازگار نیست و کاغذ را زود شکننده و تباه میسازد و می پوساند.

در فهرستی که جمشید کاووس جی کاتراک به نام «گنجینه های شرقی» (ORIENTAL TREASURES) گرد آورده و به سال یکهزار و نهصد و پنجاه و یک میلادی (دو هزار و پانصد شاهنشاهی)

به چاپ رسانده است ، از بیش از یکهزار دستنویس ایرانی و هندی نام برده که اکنون برخی
از آنها از میان رفته است ، و این ، نه تنها بواسطهٔ آب و هوای هندوستان بوده بلکه بی توجهی
و نادانی هم در نابودی آنها بهرهٔ بسزا داشته است . گردآورندهٔ فهرست یادشده به نگارندهٔ
این سطور میگفت : «سی سال پس از چاپ آن فهرست گذارم بکتابخانه‌ای افتاد که خداوندان صاحب
چندین دستنویس پهلوی و اوستائی بوده من آنها را دیده و پژوهیده و نام آنها را در فهرستم آورده بودم .
خداوند خانه بجهان دیگر شتافته بود و چون از کدبانو سراغ دستنویسها را گرفتم ، وی آنها را از راه
دینداری و برای آنکه مبادا برگ پاره های آنها زیر پا بیفتد و برای وی گناهی بزرگ بشمار آید به آب دریا سپرده بود .»
با این همه ، هم اکنون ، چندین صد دستنویس پهلوی و اوستائی در هندوستان هست
که تقریباً همه از روی دستنویسهای کهنه تر رونویس شده اند . بیشتر آنها روزگاری از آنِ کتابخانه های
شخصی بوده و رفته رفته به کتابخانه های عمومی و مؤسسات راه یافته اند تا بیشتر و بهتر از آنها نگاهداری شود
و کمتر در معرض نابودی قرار گیرند . از این کتابخانه ها میتوان کتابخانهٔ مؤسسهٔ شرقی کاما و کتابخانهٔ
«نخست دستور ، مهرجی رانا» را نام برد که صاحب مجموعه های گرانبهائی از دستنویسهای پهلوی و اوستائی اند

پاره‌ای از دستنویس‌ها نیز توسّط شرق شناسان به کتابخانه‌های مهّم اروپا رسیده‌اند که مهمترین آنها مجموعهٔ دستنویسهای اوستا و پهلوی، دوازده جلدی کپنهاک است که توسّط شرق‌شناسی بنام وسترگارد به اروپا برده شد و جانشین او کریستین سن CHRISTEN — SEN آنها را چاپ کرد و بر آنها دیباچه نوشت. این کتابها اکنون بسیار کمیاب و چند مجلّد آن نایاب است.

برای انجام دادن فرمان، از دوست دانشمندم دستور کیخسرو جاماسب آسا، دستور بزرگ شهر بمبئی و رئیس کتابخانهٔ «مؤسسهٔ شرقی کاما»، یاری خواستم تا از هیأت امنای کتابخانه‌های «مؤسسهٔ شرقی کاما» و نخست دستور مهرجی رانا» اجازهٔ عکسبرداری از دستنویسهای پهلویشان را بگیرد و اگر خود یادوستانش دستنویسهای ارزنده دارند بر آنها بیفزاید، کار گزینش دستنویسها برای عکسبرداری نیز به عهدهٔ وی واگذار شد تا آنچه را مهم و میسور می‌داند برگزیند. این کار به دشواری انجام گرفت چه دستنویسها از طرف هیأت امنای کتابخانه‌ها و خاندان انکلساریا (که چند دستنویس از این مجموعه متعلّق به آنان است) تنها به او سپرده شد و وی، امانت‌داری را

رنج سفر بر خود هموار ساخت و با دو جامه دان پر از کتاب به ایران آمد، سه ماه تمام از بام تا شام،

در چاپخانه های دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه تهران گذراند و در همه جا با دستنویسها همراه بود؛

من و همدستانم در مؤسسهٔ آسیائی نیز همه جا با وی همگام بودیم تا کار عکسبرداری و بررسی چند دستنویس

بپایان رسید، دستور گنجینه و مجبور بود به بمبئی بازگردد ما نیز برای تطبیق عکسها با دستنویسها و رفع کمبود آنها

در پی وی به هندوستان رفتیم تا این مهم انجام شد. نامه ای نیز به پرفسور آسموسن استاد دانشگاه کپنهاگ

نوشتیم مگر اجازهٔ تجدید چاپ دستنویسهای کتابخانه کپنهاک را از ناشر نخستین آنها MUNKS-

GAARD بگیرد، اجازه گرفته شد و نامه ها به چاپ رسید.

مؤسسهٔ آسیائی سپاس و درود فراوان خود را به پیشگاه شهبانوی فرهنگ پرورکه

با فرمان خود این افتخار را نصیبش ساخته، تقدیم می دارد.

از جناب آقای دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی که در راه پیشرفت کار از هیچ یاری

معنوی و مادی دریغ نکرد سپاسگزار است.

از دستور کیخسرو جاماسب آسا که با یاری وی چاپ این مجموعهٔ پنجاه جلدی میسور میشود سپاسگزار است.

از پروفسور آسموسن که اجازهٔ چاپ مجموعهٔ اوستا و پهلوی کپنهاک به پایمردی او انجام یافت سپاسگزار است.

از دکتر بهرام فره‌وشی مدیر عامل ادارهٔ انتشارات دانشگاه تهران که چاپ کردن بیست و چند جلد از این مجموعه را در چاپخانهٔ دانشگاه تهران بپذیرفت و چاپ آنها با مشاورهٔ فره‌وشی میسر شد سپاسگزار است.

از دکتر محمود طاووسی که تطبیق و ویراستن و آراستن هر صفحه از تمام این مجموعه بدست وی و با مشورت وی انجام شد سپاسگزار است.

ماهیار نوّابی

استاد و رئیس مؤسسهٔ آسیائی

پیشگفتار

کتاب حاضر دومین کتاب از دو دستنویس مهم K43 است (K43b)، و افزونی را، دو قطعه‌دیگر بااین دستنویس جلد شده است: (K43c و K43d)K43b دارای ۴۲ برگ است، که شماره گذاری شرقی ندارد. عبارتی که معمولا "کتابها با آن آغاز میشود (به نام دادارهرمزد) کمی‌نامرتب و بخط همان نویسنده در بالای سطر نخست صفحهٔ اول جای دارد و به نظر میرسد که این نخستین صفحهٔ اصلی این دستنویس بوده است و از آغازآن چیزی نیفتاده است. پایان آخرین متن افتادگی دارد و این افتادگی مربوط به دستنویسی است که K43 از روی آن نوشته شده است.

این نسخه که پایان نویس ندارد و ظاهرابایستی درسده هفدهم میلادی نوشته شده باشد، متن های زیر را در بردارد:

(۱) برگ ۱ : دو فرگرد آخر کتاب سوم دینکرد[1]، یعنی فرگرد ۴۱۹ و ۴۲۰ چاپ پشوتن سنجانا (ج ۹). فرگرد ۴۲۰ که هوگ آن را در مقدمهٔ واژه نامهٔ "زند ـ پهلوی" (ص XXXI) آورده است و وست در دیباچهٔ "متن‌های پهلوی" (ص XXX و پس از آن) ترجمه کرده است،[۲]، از سطر ۱۸ روی برگ ۲ آغاز میشود.

(۲) برگ ۳ (پشت) س ۱ : همهٔ کتاب پنجم دینکرد. (= ج ۹ و ۱۰ متن ویراسته پشوتن سنجانا)

(۳) برگ ۲۱ (روی) کتاب نهم دنیکرد : (= ج ۱۷ ـ ۱۹ متن ویراسته پشوتن سنجانا و ترجمه وست در کتاب چهارم متن های پهلوی). پیش از آغاز متن، جایی، ظاهرا، برای ذکر نام دادار باز گذاشته شده است، و این، چنانکه از یادداشتی که در حاشیهٔ کتاب نوشته شده است، برمی‌آید، بایستی با رنگ سرخ نوشته میشده است. این متن درسطر ۳ روی برگ ۴۲ (وسط مطلب) پایان می‌پذیرد (= فرگرد ۳۰ بند ۱۷ متن ویراسته پشوتن سنجانا و فرگرد ۳۱ بند ۱۷ وست)

K43c دو برگ است از دستنویس بزرگتری با شماره گذاری فارسی ۱۸۶ و ۱۹۱.

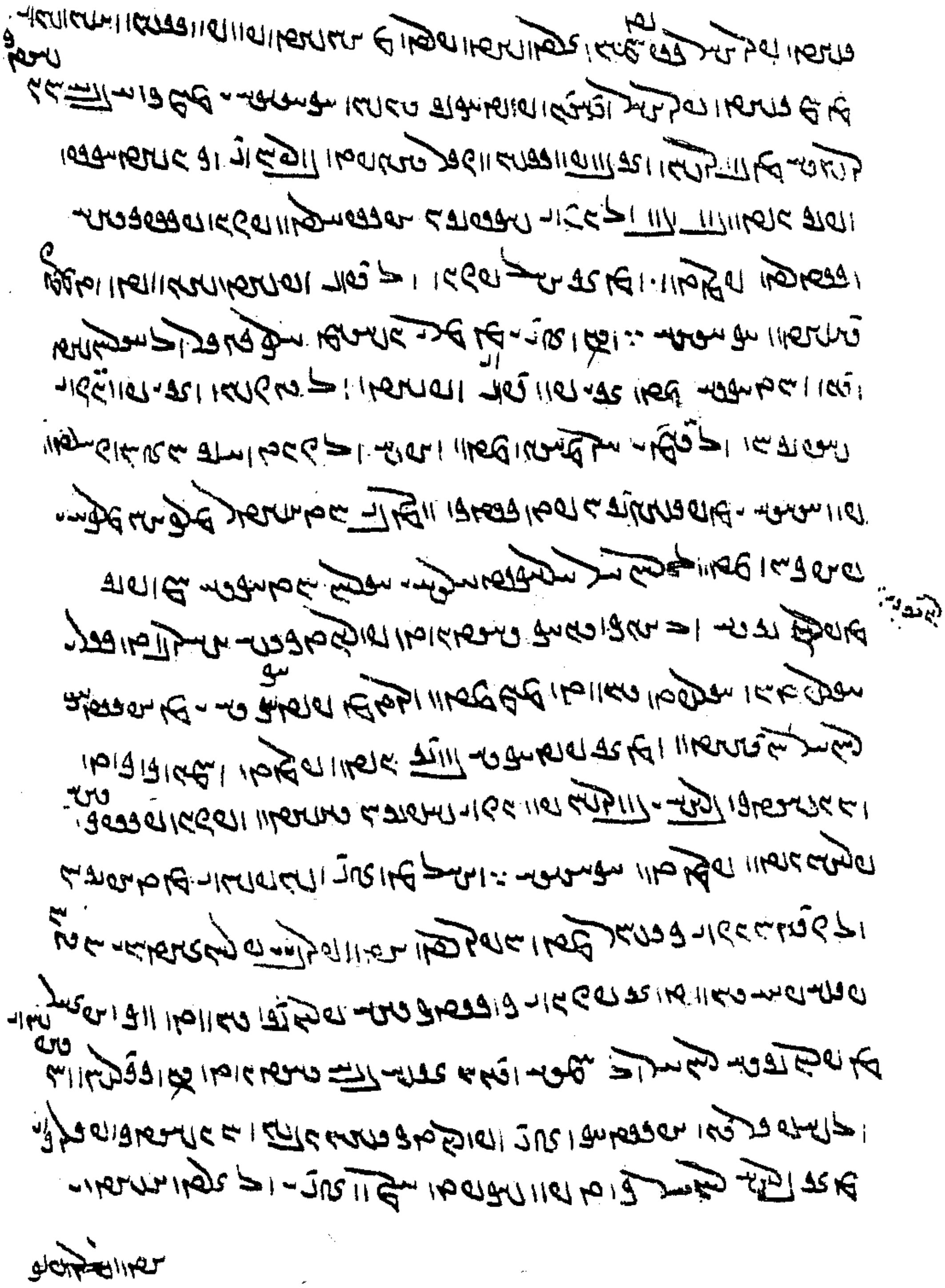
جفت برگهای ۱۸۷ ـ ۱۹۰ و ۱۸۸ ـ ۱۸۹ آن‌گم شده‌است. این متن مربوط به یکی از آئین‌های‌کهن پارسیان است، بنام پرگرParagra، که پیش از نیایش بزرگ یسنا انجام میشود. (شرح برگزاری این آیین در مقدمهٔ ج ۱ کتاب " زند اوستا "ی دار مستتر (J. Darmesteter) LXX و پس از آنها، آمده است) این قطعه ظاهرا در سدهٔ هفدهم میلادی نوشته شده است.

K43 قطعه‌ای است از سروش یشت، (یشت۲۰۵۷ ـ ۶). برگی‌است بی‌شماره ودرهنگام صحافی وارونه نهاده‌شده‌است یعنی صفحه آخر باید اول خوانده شود. نسخه‌ای که این برگ روزگاری بدان پیوسته بوده است ظاهرا از سده ۱۸ میلادی بوده است.

---

۱ ـ در باره دینکرد و دیباچه ج ۵ "مجموعه دستنویس های اوستا و پهلوی" ص ص ۹ ـ ۱۰ دیده شود.

[illegible]

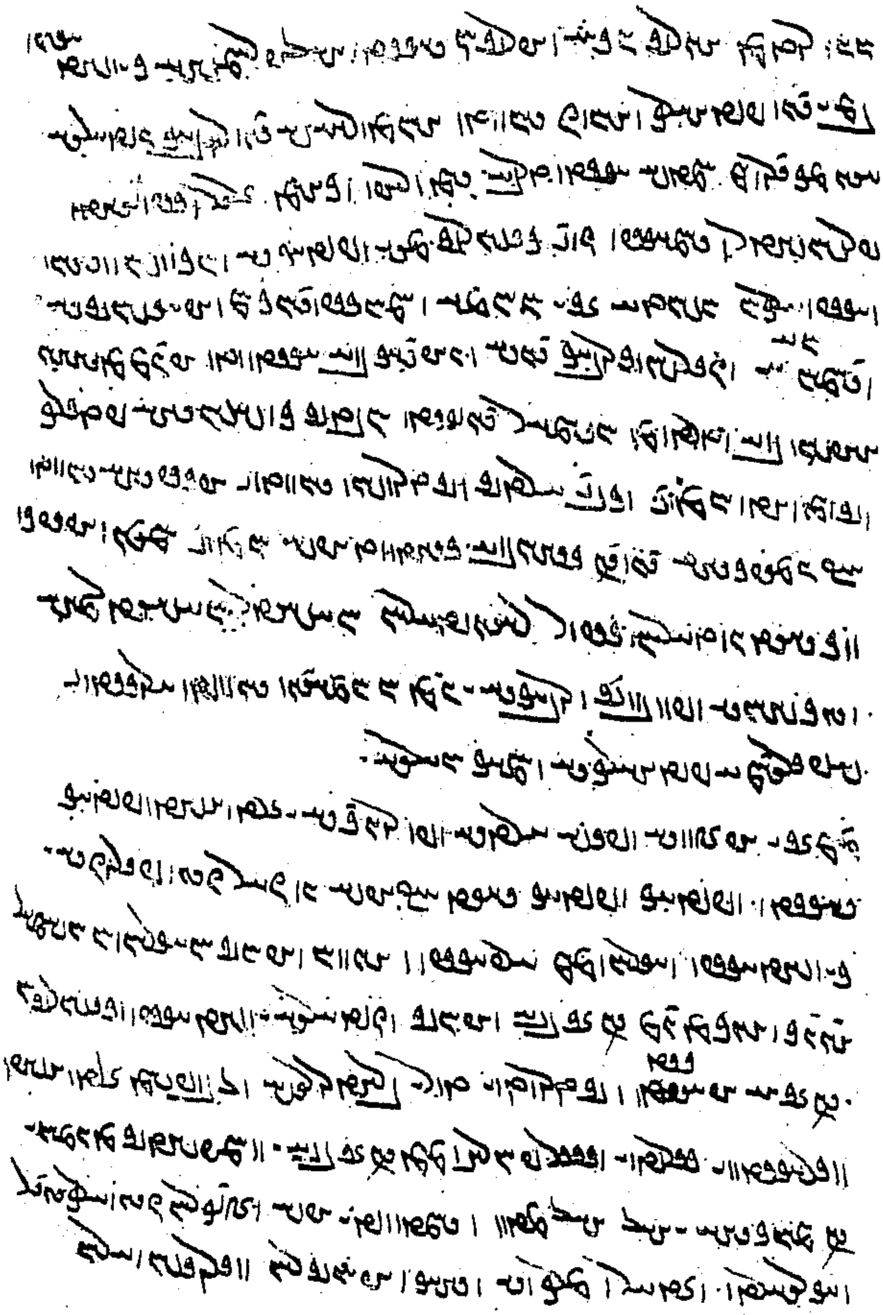


fol. 2 v.

fol. 3 r.

[illegible]

fol. 4 v.



fol. 5 r.

fol. 6 v.

fol. 7 r.

fol. 8 r.

fol. 10 v.

fol. 11 v.

Fol. 13 r.

[illegible]

fol. 15 r.

دو ورق نوشته

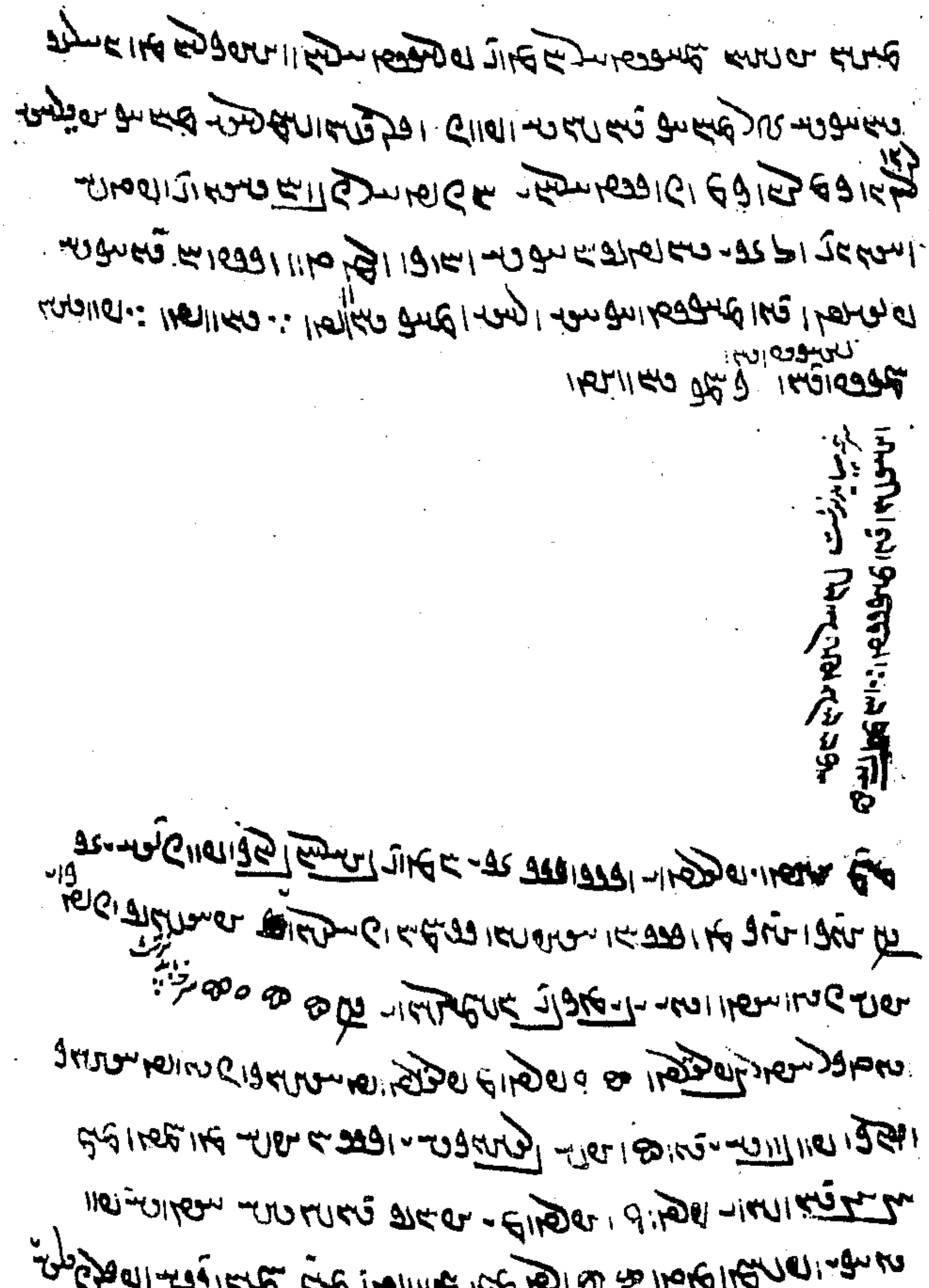
[illegible]

fol. 16 r.

[illegible]

[illegible]

fol. 19 r.



fol. 21 r.

fol. 22 v.

fol. 23 r.

[illegible]

fol. 24 r.

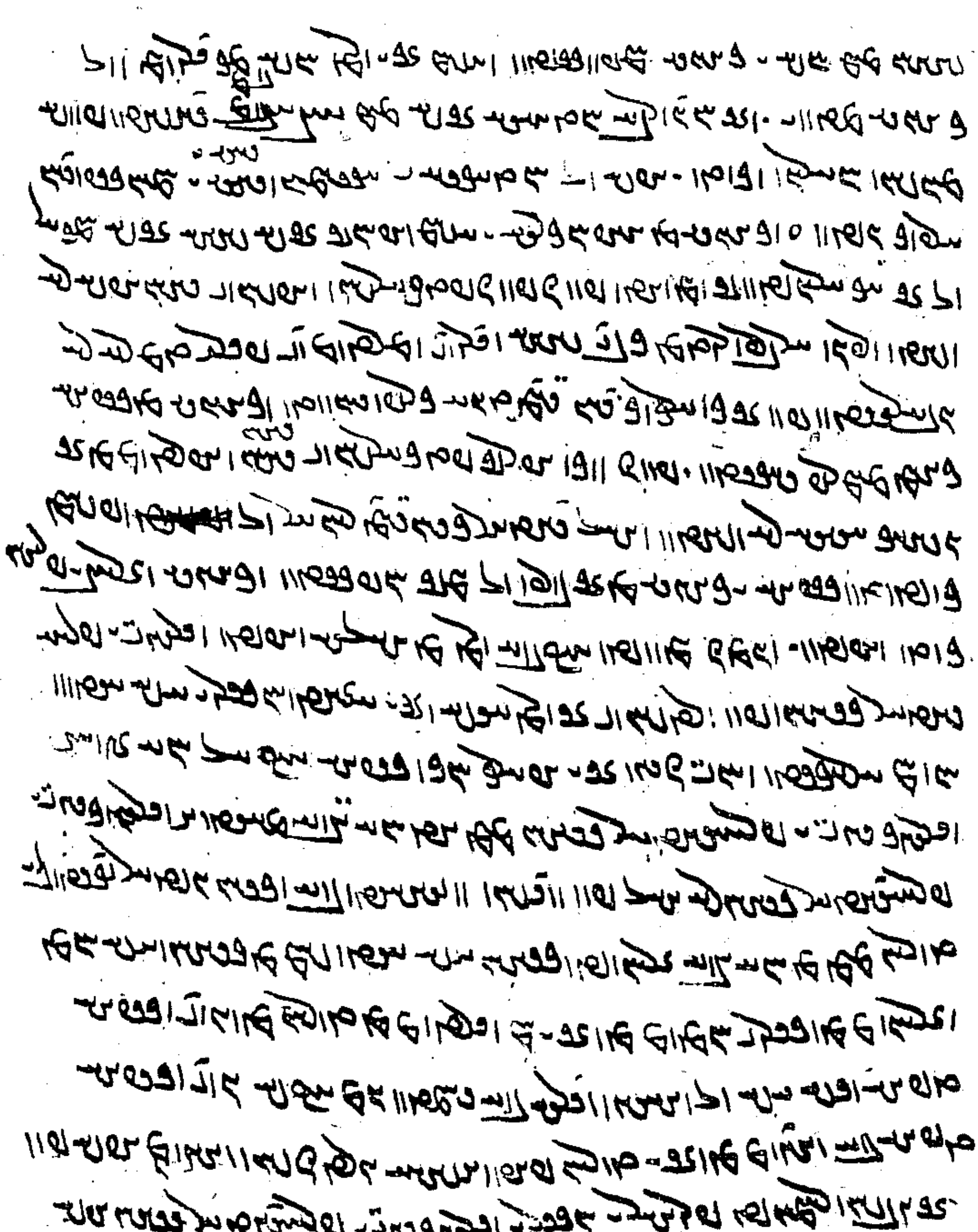
fol. 26 r.

fol. 26 v.

[illegible]

[illegible]

fol. 32 r.



fol. 34 r.

زرتشت

[illegible]

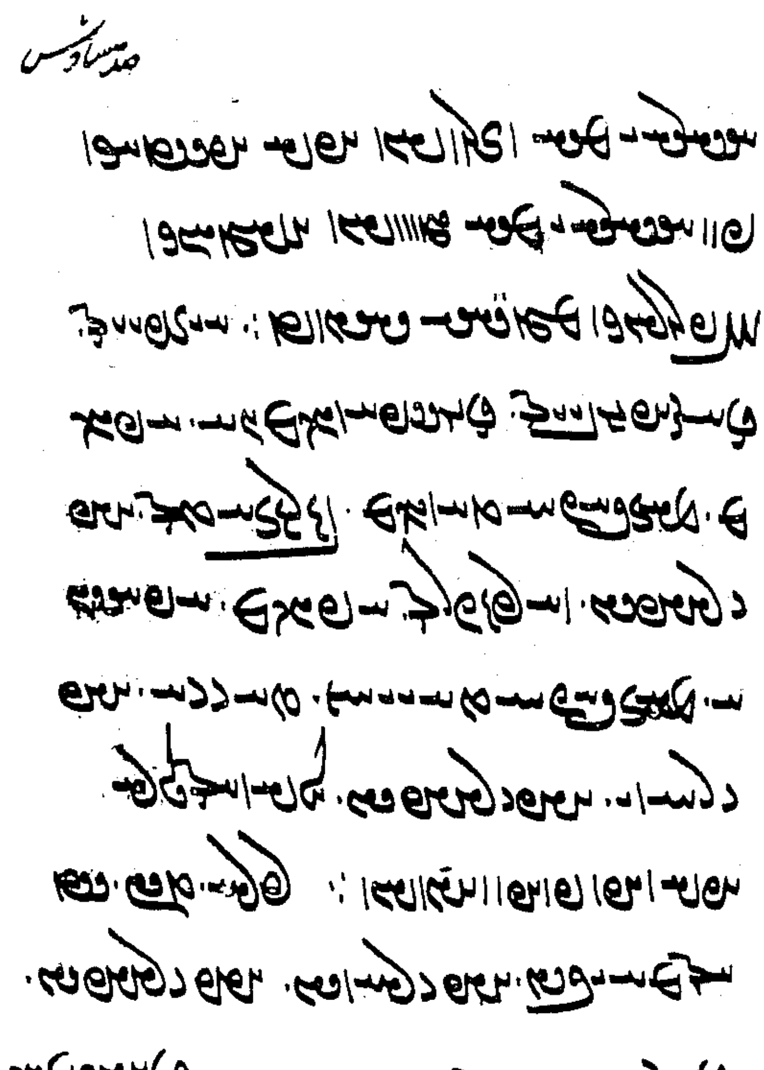
[illegible]

4.

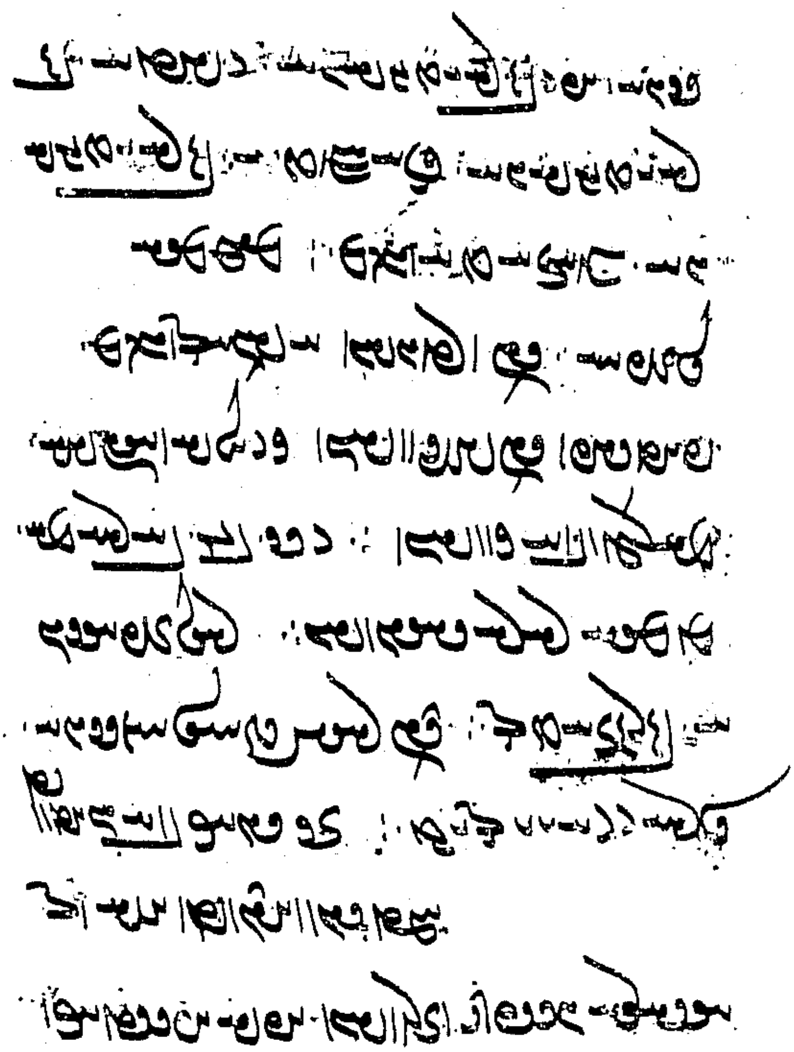
5

fol. 38 r.

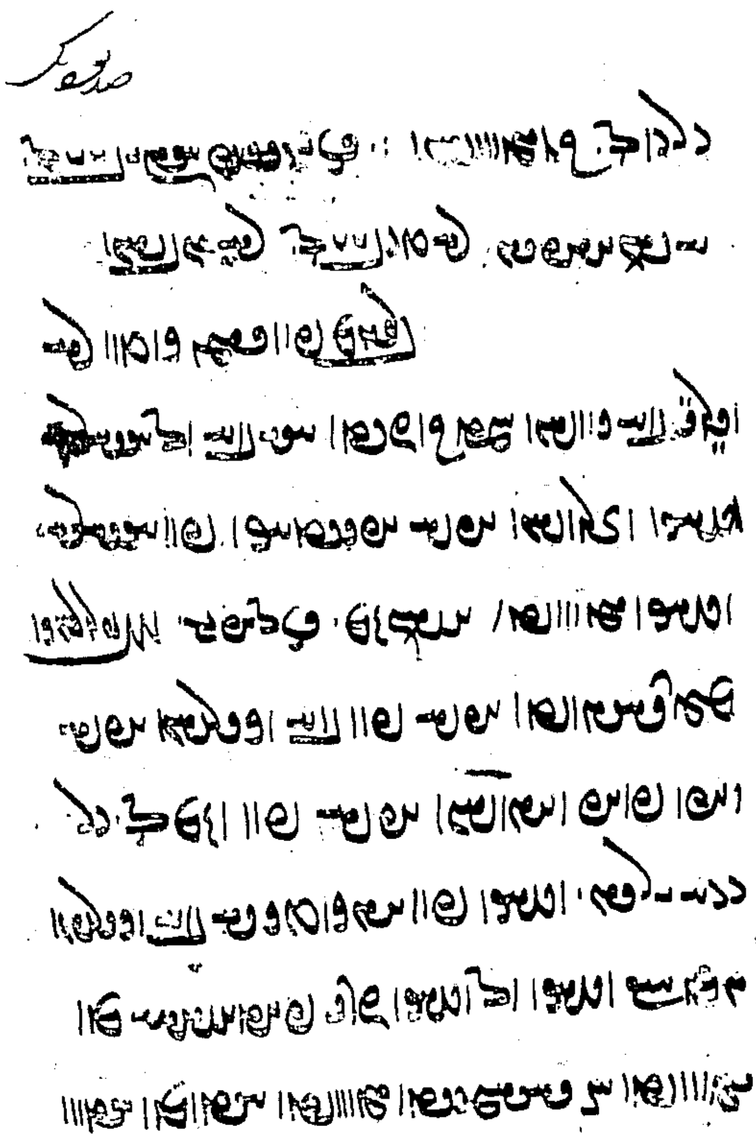
[illegible]



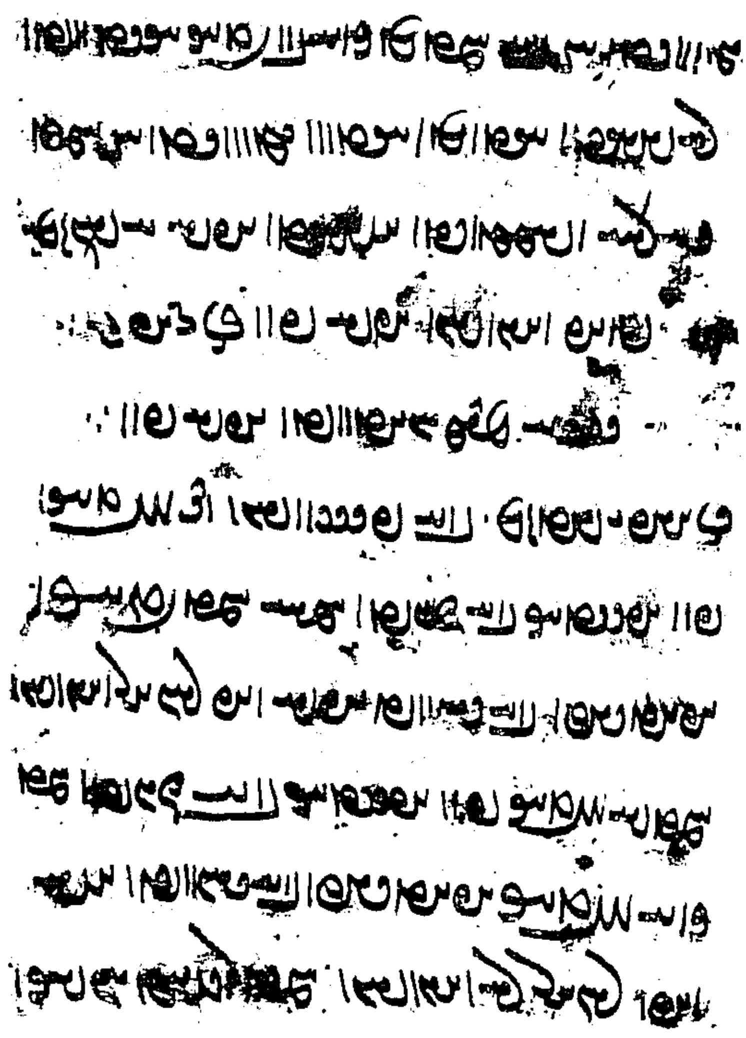
fol. 186 r.



fol. 186 v.



fol. 191 r.



fol. 191 v.

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

introductory formula. According to a note in the margin this was to have been written in red ink. The text ends with line 3 of fol. 42 v. (in the middle of a context), Chapter 30 § 17 in Peshotan Sanjana, Chapter 31, § 17 in West.

K 43 c consists of two cohering leaves of a larger manuscript with a Persian foliation 186 and 191. The leaf-pairs 187—190 and 188—189 belonging to them have been lost. It is a fragment of a work on the ceremony known in the Parsi tradition by the name of Paragra and serving as a preparation for the great Yasna sacrifice. See J. Darmesteter, Le Zend-Avesta I, Introd. p. LXX ff., in which there is a description of the ceremony.

The fragment probably dates from the 17th century.

K 43 d is a fragment of Srōš Yašt, Y. 57. 2—6. There is no foliation. The leaf has been reversed in the binding, so that the page placed last should be read first.

The copy to which this leaf has belonged must probably be assigned to the 18th century.

INTRODUCTION

The present volume contains the second of the two main manuscripts constituting K 43 (K 43 b) and in addition two small fragments bound with these and placed at the end (K 43 c and d).

K 43 b consists of 42 folios. It has no oriental foliation, but the introductory formula which, written in the copyist's own hand, is placed a little irregularly above the first line of the first page, would seem to indicate that this page was also originally the first one, and hence that nothing has been lost at the beginning. The last text in the manuscript lacks the conclusion, but evidently this was already missing in the manuscript from which K 43 was copied.

There is no colophon. Our copy probably dates from the 17th century.

The contents are as follows:

1) Fol. 1. The two last chapters of Book III of the Dēnkard[1]), viz. Chapters 419 and 420 in Peshotan Sanjana's edition (Vol. IX). Chapter 420, which has been edited by Haug in Zand-Pahlavi Glossary, Introd. XXXI, and translated by West in Pahlavi Texts IV, Introd. p. XXX ff., begins at line 18 of f. 2 r.

2) Fol. 3 v., line 1. The Dēnkard, Book V, complete. Peshotan Sanjana Vols. IX—X.

3) Fol. 21 r. The Dēnkard, Book IX, Peshotan Sanjana Vols. XVII—XIX. Tranlated by West in Pahlavi Texts IV. There is a space left open before the beginning of the text, intended for the

---

[1]) On the Dēnkard see the introduction to Vol. V of Cod. Av. & Pahl., pp. 9—10.

Printed in Denmark

Introduction printed by
Bianco Luno A/S, Copenhagen

THE PAHLAVI CODEX K 43

SECOND PART

CONTAINING SOME PARTS OF THE DĒNKARD AND TWO SMALL FRAGMENTS OF A PAHLAVI TREATISE AND OF AN AVESTA TEXT

Published in facsimile by
The University Library of Copenhagen

WITH AN INTRODUCTION
BY
ARTHUR CHRISTENSEN

AT THE EXPENSE OF
LEVIN & MUNKSGAARD
EJNAR MUNKSGAARD
COPENHAGEN, MCMXXXVI

CODICES AVESTICI ET PAHLAVICI BIBLIOTHECAE UNIVERSITATIS HAFNIENSIS

Published in facsimile by
The University Library of Copenhagen

VOL. VI

THE PAHLAVI CODEX K 43
SECOND PART

AT THE EXPENSE OF
LEVIN & MUNKSGAARD
EJNAR MUNKSGAARD
COPENHAGEN, MCMXXXVI

THE PAHLAVI CODEX K 43
SECOND PART